



## دختر اردیبهشت

### درد یادگاری

منم یک قلعه‌ی پیر  
قدیمی؛ باستانی  
تویی یک بچه آدم  
که مال این زمانی

می آید هرکه اینجا  
برای بازدیدم  
میان مردم امروز  
تو را یک گوشه دیدم

همه گرم تماشا  
تو گرم کنده کاری  
به دیوار و ستونم  
نوشتی یادگاری

کشیدم درد از این کار  
نفهمیدی چه دردی  
تو با این خط میخی!  
دل‌م را زخم کردی

● سمیه بابایی

در کلاس نوبهار  
هر کسی گل می کشید  
با بنفش و صورتی  
آبی و زرد و سفید

خانم آموزگار  
رفت پیش نونهال  
طرح هایش را که دید  
گفت به به... پامچال

دامن این باغ را  
خوب تزئین کرده‌ای  
شادی و امید را  
ارمغان آورده‌ای

با مداد سبز خود  
روی گلبرگی نوشت  
طرح هایت دیدنی است  
دختر اردیبهشت

● زهرا شفیعی ینگابادی

## مژده‌ی شیرین عید

دست در دست پدر  
آمدم بالای کوه  
هست اینجا آسمان  
بی کران و باشکوه

کنجکاو می‌کنم  
در افاق دنبال ماه  
دیده آیا می‌شود  
یا کلاه و شال ماه

دوربین چشم من  
می‌رود خیلی جلو  
چشم من پر می‌شود  
از هلال ماه نو

گرچه زودی می‌شود  
ماه زیبا ناپدید  
من به خانه می‌برم  
مژده‌ی شیرین عید

● عبدالرضا صمدی

## کلاس دور

چند روزی می‌شود خانه  
پنج شش ساعت دبستان است  
یک کلاس پنجم آن دور است  
مادر من هم «خانم» آن است

با لباس شاد و گلدارش  
توی گوشی مشق می‌بیند  
در کنار مشق دیدن‌ها  
با سلیقه سفره می‌چیند

بین تدریسش کمی گنجد  
بر خمیر خیس می‌پاشد  
نان پزی را مثل یک نانوا  
مادرم از حفظ می‌باشد

توی دست راستش کفگیر  
دست چپ خودکار و پرگار است  
هرچه باشد مطمئن هستم  
«دورکاری» بهترین کار است

● زهرا توقع همدانی

## آواز گل‌ها

گل نیلوفر من  
به سمت نور رفته  
چه جالب! شکل گل‌هاش  
به یک شیپور رفته

خودش را پیچ داده  
رسانده روی دیوار  
تمام غنچه‌هایش  
شده از خواب بیدار

حیاط ما شد امروز  
پُر از آواز گل‌هاش  
بنفش و مخملی بود  
صدای ناز گل‌هاش

اگر نیلوفر من  
نمی‌آمد به دنیا  
حیاط کوچک ما  
نمی‌شد سبز و زیبا

● مریم مهرآبادی

تصویرگر: زهرا هاشمی پور

